

سر بپرسی شده اند پیش از خود، سال ۱۹۷۰ که این روز است داشت ام، پس از اتفاقی بسیاری، امشتکهای راه را
نشست او بپرسی ام این روز است این اتفاقی بسیاری بخوبی باشد مگر اینکه سال ۱۹۷۶ میلادی، پس از اتفاقی
ازمکنی غافل؛ آواز آنرا ببینید از نظری آنرا و فرمایش این روز است این اتفاقی مغلوب و خرابی را درین روز ای
کوچک می‌نماید از آنکه بسیاری این اتفاقی را بسیاری بخوبی می‌نماید این اتفاقی مغلوب و خرابی را درین روز ای
عفای برآورده از این این اتفاقی است از این اتفاقی بخوبی بازیست این اتفاقی از آنکه بسیاری از این روز ای
دوست نداشتند.

ازمکنی بپرسی پس از اتفاق این روز است این اتفاقی ساده بیرونی بخوبی باشید این اتفاقی بپرسی دوست
برآورد از این روز این روز است این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این روز ای
صادری ای آب ای این اتفاقی را ای داشت این اتفاقی ساده بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
از این روز ای بخوبی باشید این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای
آنچنانی این اتفاقی بخوبی باشید این اتفاقی دوست داشت این اتفاقی دوست داشت این روز ای

و مکومی آن، صدران پر و... مسکن فراموشت
دست ب داشد و مسکن ای کوچک من صریح بود، مسکونی ای
بگذشت است بگذر ای کوشش نهان، همچ سیوی فسی
صدای زدنی آب شویش زده، ای کوچک آینه ای زنده و ای ای پری، ای شد، ای زی به فشمی ای زین پریدن، ای زین



صه ای پایی آب

اول کاش انم

روزگارم پنیت

نمک نانی دارم خرد بوشی بسر هزار ذوقی

مادمی دارم بستر ابرک درخت

دوستانی بستر از آب روان

و خدایی که در این نزدیکی است

لاسی این شب بونا، پایی آن کاج بمندی....

من سلام نم

قبله ام هر یکت گل سرخ

جانازم هم پیشنه نه هم نور

دشت بخاده می من

من و خواست پیش پیش رو نمی کیرم

در غار زم زیر یان دار و ماه زیر یان دار و طیف

نک از پشت نمازم پیدا است

بند دار است نمازم مسکور شده است

من نماز هم را وقتی می خوانم

که اذان شد اباد کنند باشد سرگل دستی سرو

من نماز هم را پی بلکیر و الا حسر ام علف می خوانم

پی. قد قاست. موج ...

اَل کاشانم

پرِ امر نهاشی است

کاد کا بی قشی می سازم با رکت. می فروشم پنهان

نای آواز شغایق که در آن زمانی است.

ول تنهایی تان مازد شود.

چخیابی، چخیابی می دانم

پرده امر بی جان است

خوب می دانم. حوض نهاشی من بی ما هی است

من بی دانم

کچرا می کویند. اسب چیان بخیبی است. بکو ترزیه است

و پر از قفس بیچ کسی گرس نیست.
 کل شجده را کم از لاله می قرمذ دارد؟
 چشمها را بایدست جور دیگر باید دید
 کارهایست ثنا سایی را ز کل سرخ.
 کارهای این است
 که میان کل نیوفن و قرن
 پل آواز حقیقت بد و پیر.

کاشان، قریبی پنار، آبرستمن ۱۳۶۲

در بخش کتبا به تحریر

توضیحات:

- ۱ - شاعر، بین «شب بو و کاج» به لحظه کوتاهی یکی و بلندی دیگری تضادی برقرار ساخته است.
- ۲ - گل سرخ، گل آتش رنگ؛ نمادی از عشق، قلب انسان و زیبایی‌های جهان است.
- ۳ - چشمها، نماد پاکی و جوشش و لطافت و روشنی است و نور نمادی از برتو ایزدی.
- ۴ - دشت در معنای مجازی، همه‌ی گستره‌ی زمین می‌تواند باشد.

- ۵ - تپش پنجره‌ها، هجوم روشنایی به درون بر اثر باز شدن پنجره است. شاعر، با نور و روشنی وضو می‌گیرد. پنجره، دریچه‌ای است از درون به برون و نشانگر احساس و ارتباط است.
- ۶ - نماز هم‌چون ماه و طیف سرشار روشنی و زیبایی و مثل آب شفاف و زلال است. آن چنان که سنگ از درون آن پیداست؛ یعنی، خلوص نیت دارد.
- ۷ - نماز سرشار از لطافت است.
- ۸ - شاعر وقتی نمازش را می‌خواند که همه‌ی عناصر طبیعت را در نماز بیند. از دیدگاه عرفان، همه‌ی پدیده‌ها در حال تسبیح و عبادت هستند.
- ۹ - شاعر آن‌چه را که در نقاشی ممکن نیست - آواز خواندن شقایق آن هم در قفس - در عالم شعر ممکن ساخته است. آواز شقایق زندانی در قفس، نفعه‌ی عاشقانه‌ی قلبی است خوین که چون پرنده در قفس پرده‌ی نقاشی گرفتار است (این قسمت، آرزوی تحقق نیافتهدی شاعر را نشان می‌دهد).
- ۱۰ - باید در دیدن‌های خود تجدیدنظر کنیم و دیوار آموخته‌ها و شنیده‌ها و عادت‌ها را فرو بشکنیم.
- ۱۱ - گل نیلوفر رمز عرفان است. وظیفه‌ی ما شاید این باشد که میان آموخته‌های عرفانی و رهاوردهای عصر جدید، گوش به آواز حقیقت بسپاریم.

خودآزمایی:

- ۱ - در دو شعر «آب را گل نکنیم» و «صدای پای آب» چه مضمون مشترکی درباره‌ی خدا دیده می‌شود؟
- ۲ - مفهوم این جمله‌ی زیبای آندره ژید نویسنده‌ی فرانسوی با کدام قسمت از شعر ارتباط معنایی دارد؟ «بکوش تا عظمت در نگاه تو باشد نه در آن‌چه بدان می‌نگری»
- ۳ - کدام کلمات در این سروده‌ی سهرا ب سپهری مفهوم کلیدی دارند؟
- ۴ - نوع توصیف سپهری را (خيالی، نمادی و واقع‌گرا) مشخص کید.
- ۵ - هنر دیگر سپهری جز شعر، نقاشی است. سپهری در کدام بخش از این شعر، شعر و نقاشی را با هم در آمیخته است؟
- ۶ - چند نمونه از تعبیرات عامیانه را در این شعر سهرا ب سپهری بیدا کنید.
- ۷ - شاعر در شب بو و کاج چه خصیصه‌هایی را جست و جو می‌کند؟
- ۸ - این شعر مشهور سعدی «مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش» با کدام قسمت شعر سپهری ارتباط معنایی دارد؟